

نقش مطبوعات در کاهش جرایم خرد*

حسین رحمت الهی**

این مقاله در پی ارائه یک مدل رفتاری بر اساس آموزه‌هایی است که با توجه خاص به سیاست اطلاع‌رسانی و کیفری اسلام نسبت به پدیده‌های مجرمانه، به آن رسیده‌ایم. اعتقاد بر این است که چنین مدلی می‌تواند تجربه مفیدی برای حقوق‌دانان، جرم‌شناسان، روان‌شناسان اجتماعی و روزنامه‌نگاران در کشورهای مختلف باشد؛ چرا که بزه‌کاری پدیده‌ای جهانی است و فقط اشکال آن با توجه به درجه و سرعت پیشرفت صنعت و تحولات اقتصادی و اجتماعی جوامع، متفاوت است.

مقاله مذکور ابتدا نقش و تأثیر اجتماعی مطبوعات و ساز و کار ویژه آن را بررسی می‌کند، آنگاه دیدگاه‌های مختلف راجع به این نقش و ساز و کار را مورد مطالعه قرار می‌دهد و در پایان به بررسی دیدگاه اسلام نسبت به جرایم و تدابیر مورد نظر این دین حنیف در پیشگیری از جرم می‌پردازد.

** این مقاله در قالب یک سخنرانی در سمینار بین‌المللی اینترنتبول تحت عنوان "بررسی جرایم خرد" در

اصفهان در مهرماه ۱۳۷۸ ارائه شده است.

مقدمه

مطبوعات به عنوان یک رسانه عام و فراگیر به راحتی این توانایی را دارند تا با الگوسازی و ارائه مدل‌های منتخب در شیوه‌های تعامل اجتماعی، در فرآیند تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری و فرهنگ‌سازی شرکتی مؤثر داشته باشند. این قدرت بلامنزاع که روز به روز بر درجه اهمیت آن افزوده می‌شود، بدون تردید باید در ابتدا با پیش‌فرض‌های مبتنی بر ارزش‌های مورد قبول جامعه، نقش مؤثر خود را ایفا کند؛ چه، در غیر این صورت جامعه و مخاطبان مطبوعات در مقابل قدرت نفوذ آن بی‌دفاع خواهند ماند. از این دیدگاه، مطبوعات، ساز و کار خاص خود را دارند و در برخورد با ناهنجاری‌های اجتماعی - همچون جرایم خُرد - به کاهش این ناهنجاری‌ها و حساس کردن جامعه نسبت به آن کمکی شایان می‌نمایند.

مقاله‌ای که در پی می‌آید در مقام تبیین نقش و تأثیر اجتماعی مطبوعات، ساز و کار ویژه آن، و به کارگیری آن در نظام‌های مختلف برآمده و آن‌گاه با رویکردی جرم‌شناسانه و تربیتی، دیدگاه اسلام را نسبت به پدیده‌های مجرمانه و نحوه انعکاس آن مطرح کرده است.

ژورنال‌های علمی و مطالعات فرهنگی

مجمع آموزش عالی قم

نقش مطبوعات در ترویج و گسترش یا محدود کردن بزه‌کاری

رسانه‌های گروهی به طور عام و مطبوعات به طور خاص، با انعکاس اخبار مربوط به پدیده‌های مجرمانه نوعی اندیشه بزه‌کاری را به مردم تحمیل می‌کنند. این اندیشه که در تمام جامعه پخش می‌شود، نحوه نگرش افراد به واقعیات را سامان می‌دهد. علاوه بر این، به اعتقاد برخی حقوق‌دانان از جمله آقای "ژرژ پپلا"، دبیر کل جامعه بین‌المللی جرم‌شناسی، «رسانه‌ها مردم را به پیش‌داوری‌ها و تصویرهای یکنواخت عادت می‌دهند.»^۱ این موضوع در راستای تحلیل مارشال "مک لوهان" که طبق آن رسانه‌های گروهی بی‌طرف نیستند، قرار دارد. اصولاً رسانه‌های گروهی - به ویژه مطبوعات - جزء فرآیندی اجتماعی محسوب می‌شوند که به طور ملموس قادر به تغییر و دگرگونی وقایع

هستند. آن‌ها می‌توانند به سادگی از موضوعی محدود و غیر قابل اعتنا، سوژه‌ای بسیار مهم ساخته و افکار عمومی را نسبت به موضوع حساس نمایند و یا از موضوعی مهم، خبری خنثا بسازند. این توانایی منحصر به فرد، می‌تواند یک پدیده مجرمانه پیش پا افتاده را که در سطح یک محله یا شهری کوچک اتفاق افتاده، از طریق رسانه‌ها - به ویژه مطبوعات - به سرعت به واقعه‌ای ملی و یا جهانی تبدیل کند.

در حقیقت، انتخاب خبر، بهره‌برداری و تکرار آن - با توجه خاص به ویژگی‌های جامعه شناختی و روان‌شناسی مردم یک اجتماع - می‌تواند به گسترش آن بینجامد.

با توجه به این نقش شگرف، برخی از جرم‌شناسان و روان‌شناسان اجتماعی، رسانه‌های گروهی به ویژه مطبوعات را منبع اساسی نشر نا امنی و یا "احساس نا امنی" می‌دانند.^۲ ترویج نا امنی یا احساس نا امنی که خود موضوعی در خور توجه است، با توجه به کثرت و شدت توجه رسانه‌ها به پدیده مجرمانه متغیر است. اگر اخبار مربوط به جرایم موجود در جامعه افزایش یابد و مطبوعات با چاپ مقاله، گزارش و عکس‌های مختلف به بزه خاصی توجه بیش از حد نشان دهند، یا این که به بزه‌های بی‌اهمیت، بیش‌تر از تناسب پردازند (بدون آن که اهمیت واقعی آن تغییر کرده باشد)، در این صورت افکار عمومی متقاعد خواهد شد که بزه کاری افزایش یافته است. از سوی دیگر، عدم توجه و خودداری مطبوعات از گزارش پدیده‌های مجرمانه موجود در جامعه، در عین آن که به تعدیل احساس نا امنی در جامعه کمک می‌کند، باعث می‌شود که افکار عمومی حساسیت و هوشیاری خود را نسبت به بزه کاری در جامعه از دست بدهد و در چنین حالتی، دولت‌ها و در برخی مواقع مسئولان امر نیز به دلیل عدم فشار افکار عمومی، از توجه خاص به پدیده‌های مجرمانه در جامعه باز می‌مانند.

رسانه‌های گروهی هم‌چنین بر تصویری که هر کس از بزه کاری یا بزه کار دارد تأثیر می‌گذارند. انتخاب واژه‌ها، صفات، بها دادن به جزئیات و استفاده هوشیارانه و زیرکانه از تصویر در جهت اهداف رسانه، از دیگر کارکردهای رسانه‌های گروهی - به ویژه مطبوعات - در عرصه اجتماعی در برخورد با پدیده مجرمانه است. ضمن آن که باید اذعان نمود مطبوعات و یا اصولاً رسانه‌ها این توانایی را دارند که با انتقال بخشی از

واقعیت پدیده مجرمانه که با اهداف آن‌ها سازگارتر است، جزء انتخاب شده را به عنوان کل واقعیت مطرح کرده و یا بخشی را مطرح نمایند که اصلاً با واقعیت تطبیق نمی‌کند. با توجه به نقش عمیق و تأثیرگذار مطبوعات در برخورد با اعمال ضد اجتماعی و بزه کاری، می‌توان دریافت که آن‌ها از سویی قدرت تشدید احساس نا امنی، ترویج بزه کاری و تشویق افراد مستعد به بروز اعمال مجرمانه را دارند و از سوی دیگر، می‌توانند با ایفای نقش آگاهی بخش هوشیارانه و مسئولانه، در کاهش جرایم مؤثر باشند و در عین حال به رسالت خود نیز عمل کنند.^۲

با تأکید به جایگاه مهم مطبوعات در برخورد با پدیده‌های مجرمانه، نشریات در انعکاس بزه کاری در جامعه با دو مقوله متعارض روبه‌رو هستند:

- ۱- مقوله عمل به رسالت اولیه مطبوعات، یعنی اطلاع‌رسانی و آگاهی بخشی.
 - ۲- مقوله بدآموزی، عادی جلوه کردن بزه کاری، از بین رفتن قبح اعمال بزه کارانه و عادت اجتماعی به پلشتی، در صورت انعکاس گسترده اخبار جرایم.
- هر کدام از دو مقوله فوق، طرفداران و مخالفانی دارد. این در حالی است که ما عامل دخالت دولت‌ها را در انعکاس وقایع مؤثر ندانیم؛ چه در غیر این صورت، موضوع شکل دیگری به خود خواهد گرفت.

طرفداران عمل کردن مطبوعات به رسالت آگاهی بخشی و اطلاع‌رسانی، از سویی معتقدند که رسانه‌های عمومی باید خود را قیم مردم بدانند و مطابق میل خود به انعکاس یا عدم انعکاس اخبار پردازند چرا که رسالت اولیه آن‌ها اطلاع‌رسانی است.^۴ روزنامه نگاران حرفه‌ای - به ویژه در دموکراسی‌های لیبرال - معتقدند که رسالت آن‌ها آگاهی بخشی است. بنابراین در انعکاس وقایع مجرمانه تا ذکر جزئیات آن نیز پیش می‌روند. این انتخاب که نگاهی سوداگرانه همراه با ساز و کار خاص ژورنالیسم حرفه‌ای نسبت به مخاطبان دارد، در میدان پر رقابت رسانه‌ای، با انتخاب سوژه‌هایی که بیشتر باعث جذب مخاطب می‌شود، به ارضای حس کنجکاوی خواننده توجهی خاص نشان می‌دهد. از نگاه معتقدان به این شیوه، جرایم خرد یا کلان زمانی ارزش انعکاس و بها دادن را پیدا می‌کنند که با جذب مخاطبان بیشتر، حس کنجکاوی آنان را پاسخ مناسب و

در خور دهند. پوشش خبری - گزارشی کامل یا ناقص پدیده‌های مجرمانه، تماماً با این هدف صورت می‌گیرد. در چنین حالتی، منافع جامعه - از جمله کاهش جرایم - یا اصلاً به حساب نمی‌آید و یا در اولویت بعدی قرار می‌گیرد. کسب خبر به هر وسیله و بزرگ‌نمایی تمام یا بخشی از واقعه بزه‌کارانه و پرداختن به هر موضوعی که به نحوی با جرم انجام شده مرتبط است، شیوه طرفداران این انتخاب است. بی‌تردید، بنا به عرف هر منطقه و گرایش عمومی مردم هر کشور، پرداختن به پدیده‌های مجرمانه تفاوت پیدا می‌کند.

از سوی دیگر، طرفداران عمل مطبوعات به رسالت آگاهی بخشی بدون در نظر گرفتن مصالح اجتماعی و حیثیت افراد، معتقدند که انعکاس دقیق اعمال بزه‌کارانه، نقش مهمی در هوشیاری و حساس کردن افکار عمومی دارد و از این منظر، آثار مفیدی برای اجتماع خواهد داشت.^۵

ذکر این نکته لازم است که فرض انعکاس وسیع و گسترده اعمال مجرمانه توسط مطبوعات در صورتی است که حکومت‌ها مایل به نشر اخبار آن باشند. چه، بسیاری از نظام‌های سیاسی، انعکاس پدیده‌های مجرمانه را در مطبوعات داخلی بر نمی‌تابند و آن را دلیلی بر بحران‌های اجتماعی و ضعف مدیریت عمومی جامعه تلقی کرده و نسبت به آن واکنش منفی نشان می‌دهند. این نگاه خاص، به مطبوعات به مثابه ابزاری می‌نگرد که وظیفه‌اش انعکاس گسترده تحرکات دولتی در تمام عرصه‌ها و یا توجیه اعمال انجام شده توسط حکومت‌هاست. به طور طبیعی در چنین حکومتی، تصویر واقعی از اجتماع در مطبوعات دیده نمی‌شود و تنها با کم شدن کنترل‌های دولتی است که بحران‌های اجتماعی و پدیده‌های مجرمانه‌ای که به طور مرتب انجام شده و می‌شوند، فرصت ظهور می‌یابند. در این مورد، شواهد متعددی در دست است که نشان می‌دهد چگونه برخی نظام‌های سیاسی از انعکاس اخبار جرایم در نشریات جلوگیری می‌کردند و با سست شدن کنترل‌های دولتی، جهانیان با جامعه‌ای آشفته که وقوع جرایم متعدد در آن امری طبیعی است، مواجه شدند.^۶

دیدگاه دیگری که در ارتباط با برخورد مطبوعات در قبال پدیده‌های مجرمانه ظاهر می‌شود، دیدگاهی سلبی است که بر اساس آن، نشریات با انعکاس اخبار بزه‌کاری،

علاوه بر آن که به بدآموزی اجتماعی کمک می‌کنند، با انتشار مرتب، گسترده و جزء به جزء اعمال مجرمانه، قبح و زشتی اعمال بزه‌کارانه را در جامعه از بین برده و موجب می‌شوند جرم به صورت امری عادی و طبیعی جلوه‌گر شود. در چنین حالتی اجتماع به پلیدی و پلشتی عادت می‌کند و عادت به وقوع و یا ارتکاب جرم، خود نوعی سقوط ارزش‌های اجتماعی و هنجارهای زندگی سالم را در پی دارد. برخی از معتقدان به این اندیشه، به عدم انعکاس قطعی اخبار پدیده‌های مجرمانه در رسانه‌ها - به ویژه مطبوعات - معتقدند و برخی دیگر، به انتشار هوشیارانه گزارش بزه‌کاری در اجتماع تأکید می‌کنند.^۷

در این مقاله ما در پی آن نیستیم که شیوه‌های انعکاس وقایع مجرمانه را ارزش‌گذاری کنیم، بلکه هدف، بیان آموزه‌های تربیتی و دیدگاه اسلام نسبت به جرم، پدیده مجرمانه و سیاست کیفری است؛ به عبارت دیگر، به دنبال پاسخ این سؤال هستیم که با توجه به نظام تربیتی خاص اسلام و نگاه ویژه این مکتب الهی به انسان، در انعکاس اخبار جرایم چه شیوه‌ای باید به کار گرفته شود؟ شیوه برخورد با پدیده‌های مجرمانه و سیاست کیفری اسلام نیز درون این چهارچوب تربیتی معنا پیدا می‌کند. در حقیقت، ما به انعکاس هوشیارانه اخبار جرایم توأم با احساس مسئولیت اعتقاد داریم. دل مشغولی عمده ما عمل به رسالت آگاهی بخشی از سویی و از سوی دیگر، رعایت عفت عمومی و پرهیز از بدآموزی انعکاس پدیده‌های مجرمانه است که در ذیل دلایل آن را بیان می‌داریم:

سیاست کیفری اسلام در برخورد با پدیده مجرمانه

سیاست کیفری اسلام که بر فطرت انسان‌ها مبتنی است، بر سه مؤلفه مهم استوار

است:

الف) عدم پرده‌داری و انعکاس نیافتن وقایع مجرمانه؛^۸

ب) باز گذاشتن راه برگشت (توبه)؛^۹

ج) پیش‌بینی مجازات قطعی در مورد برخی جرایم.^{۱۰}

الف) عدم پرده‌داری و انعکاس نیافتن وقایع مجرمانه

اسلام، دینی است که به حفظ آبرو، اعتبار، حیثیت و شخصیت افراد بهای زیادی می‌دهد. در این چهارچوب، اسلام بر عدم انعکاس وقایع مجرمانه - جز در موارد ضروری مثل دادگاه - تأکید دارد. این سیاست که مبتنی بر جلوگیری از "اشاعه منکر"، یعنی جلوگیری از گسترش پلیدی‌هاست، تا حدی است که این دین حنیف، اشاعه گناه را بدتر از گناه می‌داند؛^{۱۱} چه اسلام داعیه تربیت انسان‌ها را دارد، انسان‌های مسئول و متعهدی که بر حفظ آبرو، شخصیت و شأن افراد - حتی مجرمان - مصمم‌اند. این سیاست انسان‌ساز بر سه هدف اصلی استوار است:

۱- جلوگیری از هتک حرمت و شخصیت مجرمان^{۱۲}

اسلام با این هدف که راه بازگشت شرافتمندانه مجرم به اجتماع - حتی پس از تحمل مجازات - مسدود نشود، به جلوگیری از ریختن آبروی افراد و بر حفظ حرمت و شخصیت مجرمان تأکید به سزایی دارد. این نگاه مسئولانه به انسان - حتی مجرمان - معتقد است که انسان‌ها در هر لحظه امکان برگشت از گناه - عمل مجرمانه - را دارند. بنابراین در حد توان باید حرمت خطاکاران حفظ شود تا مجرم تمام راه‌های برگشت از عمل مجرمانه را پیش روی خود مسدود نیند و بداند، هر زمان که اراده کند می‌تواند بدون آسیب‌های شدید روحی به آغوش جامعه بازگشته و زندگی سالمی را آغاز کند.^{۱۳}

۲- جلوگیری از بدآموزی اجتماعی^{۱۴}

اسلام معتقد است که با انعکاس اعمال مجرمانه، از سویی زشتی و قبح این اعمال در جامعه از بین رفته، عمل به جرم عادی شده و جامعه به پلیدی و پلشتی عادت می‌کند و از سوی دیگر، انعکاس اعمال بزه‌کارانه موجب می‌شود افراد مستعد به شیوه‌های عمل مجرمانه آشنا شوند.

۳- رعایت عفت عمومی و اخلاق حسنه در جامعه

اسلام بر رعایت عفت عمومی و اخلاق حسنه در جامعه با هدف تعالی اخلاقی جامعه و جلوگیری از سقوط ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی تأکید دارد. نگاهی به شیوه بیان قرآن در ماجرای حضرت یوسف علیه السلام به خوبی مؤید این امر است. خلاصه داستان

به این صورت است که زلیخا همسر فرعون مصر، دل در گرو یوسف علیه السلام می‌بندد و با تمهیداتی وی را به خلوت خویش می‌کشاند. یوسف علیه السلام از پاسخ به تمایل زلیخا - به دلیل آن که آن را گناه می‌داند - خودداری می‌کند و زلیخا با اصرار برای رسیدن به کام دل خود، پیراهن یوسف را از پشت پاره می‌کند... ۱۵.

این موضوع که می‌تواند از سوی روزنامه نگاران حرفه‌ای به راحتی به سوژه‌ای داغ تبدیل شود و با توجه به شخصیت زلیخا که همسر فرعون مصر است، داستان‌های گوناگون در اطراف این ماجرای عشقی نوشته شود و شایعات مختلفی را با هدف پاسخ به احساسات مخاطبان نشریات دامن بزند، با بیانی مجمل و به اشاره و با پرهیز از ذکر جزئیات، به گونه‌ای از سوی قرآن کریم بیان می‌شود که هم خواننده و شنونده از کیفیت ماجرا آگاه می‌شود و هم اخلاق حسنه و عفت عمومی به طور کامل رعایت می‌گردد.

مقایسه‌ای ساده بین شیوه بازگویی قرآن از پدیده‌های مجرمانه با عملکرد نشریات جنجالی یا "پاپارازی" (Paparazzi) به خوبی بیانگر دو نگاه متفاوت به انسان و انعکاس وقایع مجرمانه است. عملکرد نشریات جنجالی در داستان خانم "دایانا" و انعکاس زندگی خصوصی وی به منظور پاسخ‌گویی به تمایلات غیر طبیعی و بیمارگونه برخی مخاطبان نمونه‌ای است که موجب شد وی به خاطر این عملکرد در یک سانحه تصادف - اگر آن را صرفاً تصادف بدانیم! - جان خود را از دست بدهد. در صورتی که قرآن کریم در این موارد افراد را از تجسس در زندگی اشخاص منع کرده و آن را گناه دانسته است. ۱۶.

ب) بازگذاشتن راه برگشت (توبه)

اسلام معتقد است که انسان‌ها هر لحظه می‌توانند از اعمال مجرمانه (به تعبیر اسلام، گناه) برگردند و زندگی سالمی را آغاز نمایند. به این ترتیب، سیاست کیفری اسلام بر بازگذاشتن راه برگشت افراد مجرم از زندگی مجرمانه استوار است. این برگشت از بزه‌کاری که در اصطلاح اسلام «توبه» نامیده می‌شود، سیاستی است که راه بازگشت به زندگی سالم را در افراد بازگذاشته تا مجرمان هیچ‌گاه بر ارتکاب جرم خود اصرار نورزند

و بدانند با توبه می‌توانند زندگی سالم و شرافتمندانه‌ای را آغاز کنند.^{۱۷}

ج) پیش بینی مجازات قطعی در مورد برخی جرایم

اسلام برای جلوگیری از تجزّی مجرمان و افراد مستعد، بر مجازات قاطع مجرمان در صورت ارتکاب بعضی جرایم تأکید دارد؛ به عبارت دیگر، در عین آن‌که اسلام بر تأسیس «توبه» به عنوان مقوله‌ای انسان‌ساز و تربیتی در قبال مجرمان تأکید می‌ورزد، در برخی جرایم به دلیل نوع و ماهیت جرم، جریحه‌دار شدن افکار عمومی، جلوگیری از تجزّی دیگر بزه‌کاران و دفاع اجتماعی در قبال پدیده مجرمانه و تبعات منفی جرم، بر مجازات قاطع مجرم تأکید دارد و در این مورد هیچ انعطاف و نرمشی را از سوی مجریان امور نمی‌پذیرد.^{۱۸}

گفتیم که سیاست کیفری اسلام در چهارچوب نظام تربیتی این دین حنیف و نگاه خاص آن به انسان شکل می‌گیرد. از این رو می‌توان ادعا کرد که سیاست کیفری اسلام از نظام تربیتی آن و تعریف این دین از «انسان ایده‌آل» جدا نیست. در این راستا، اسلام بر نهاد خانواده به عنوان هسته اولیه شکل‌گیری شخصیت اجتماعی فرد تأکید دارد. خانواده جایگاه اولیه رشد شخصیت انسان و آموزش ارزش‌های اخلاقی برای جلوگیری از ارتکاب جرم می‌باشد.

در نگاه اسلام، هر پدیده مجرمانه‌ای اهمیت خاص خود را دارد و سیاست تربیتی آن است که هر عمل مجرمانه آن قدر اهمیت یابد تا فرد مرتکب آن نشود. چه ارتکاب جرایم خرد، مقدمه سقوط اخلاقی انسان و ایجاد زمینه‌های مناسب برای ارتکاب جرایم بزرگ است.

نتیجه‌گیری

با توجه به نکات گفته شده، آن‌چه در انعکاس وقایع مجرمانه - اعم از خرد و کلان - باید به آن توجه شود، آشتی ظریف و ایجاد تعادل مناسب بین دو مقوله عمل به رسالت مطهرانه، در انعکاس وقایع و جلوگیری از بدآموزی و عادت جامعه به وقوع پدیده‌ها

مجرمانه با توجه به آموزه‌های اسلامی است. نمی‌توان جامعه را نسبت به شگردهای جدید مجرمان بی‌خبر گذاشت و از سوی دیگر، نمی‌توان با بیان روش‌های بزه‌کاران و یا بیان جزئیات عمل مجرمانه، به بدآموزی اجتماعی دامن زد و محرک افراد مستعد برای ارتکاب جرم شد. بنابراین انتخاب قطعی و همیشگی روزنامه‌نگاران در برخورد با پدیده‌های مجرمانه، ضمن عمل به رسالت آگاهی‌بخشی و اطلاع‌رسانی باید توأم با مسئولیت، پرهیز از ذکر جزئیات با هدف جلوگیری از بدآموزی، رعایت عفت عمومی و اخلاق حسنه جامعه باشد.

از سوی دیگر، مطبوعات در انعکاس جرایم، به جرایم شایع و یا جرایمی که وجدان عمومی جامعه را بیشتر تحت تأثیر قرار می‌دهد توجه می‌کنند و اما "جرایم خرد" را که نهایتاً بازتاب واقعی ناهنجاری‌های اجتماعی است، به ندرت مورد توجه قرار می‌دهند. طبیعی است که در یک جامعه سالم، مطبوعات به عنوان چشمان بیدار اجتماع وظیفه دارند علاوه بر انعکاس مسئولانه اخبار جرایم، نسبت به جرایم خرد نیز با ایجاد موج‌های هوشیارانه و مسئولانه خبری، واکنش مناسب نشان دهند. تأکید بیش از حد و پرداختن همه جانبه در قالب گزارش، مقاله و... نسبت به جرایم خرد، با توجه اکید به روش گفته شده در انعکاس اخبار جرایم، علاوه بر حساس کردن افکار عمومی نسبت به آن، مسئولین امر را به چاره‌اندیشی وادار می‌سازد. ساز و کار بالا بردن اهمیت جرایم خرد، حربه مناسبی برای نیل به اهداف فوق است؛ هر چند که ارزش‌های جوامع با یکدیگر متفاوت است و حساسیت یک جامعه نسبت به امری خاص، می‌تواند برای دیگر اجتماع انسانی وجود نداشته باشد.

اگر بپذیریم که جرایم خرد نشانه جدی ناهنجاری‌های اجتماعی هستند، برخورد با آن، بی‌تردید به میزان زیادی باید "فرهنگی" باشد. رسانه‌ها به طور عام و مطبوعات به طور خاص، می‌توانند با تحلیل همه جانبه دلایل بروز جرایم خرد و ایجاد موج‌های رسانه‌ای پیرامون آن، از طریق انعکاس مسئولانه خبر، مقاله، گزارش، مصاحبه و... به ایجاد حساسیت‌های اجتماعی در قبال آن پدیده و بسیج افکار عمومی و امکانات جامعه برای رویارویی با پدیده جرایم خرد، نقشی حساس، تعیین‌کننده و قطعی ایفا کنند و در

صورت تکرار جرائم خرد از سوی افراد مستعد، زمینه‌ساز برخورد انتظامی با مجرمان و خاطا، باشند.

در خن آخر آن‌که، سیاست توضیح داده شده در انعکاس خبری جرائم، باید حتماً در انعکاس خبری جرائم خرد نیز لحاظ شود و موج‌های رسانه‌ای علیه جرائم خرد باید بیشتر در قالب مقاله، گزارش، مصاحبه و... ایجاد گردد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

پی‌نوشت‌ها:

۱. ژرژ بیلا، جرم‌شناسی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی (تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۰).
۲. کریستین لازر، سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی (تهران، نشر بلدآ، ۱۳۷۵) ص ۴۰.
۳. همان، ص ۳۹ - ۴۱.
۴. کاظم معتمدنژاد، مقاله «ميثاق حرفه‌ای روزنامه نگاری: یک طرح پیشنهادی»، مجموعه مقالات دومین سمینار بررسی مطبوعات ایران (تهران، خرداد ۱۳۷۷) ص ۹۴۵.
۵. همو، مقاله «بررسی شرایط پیشرفت نشریات مستقل و کثرت‌گرا»، مجموعه مقالات دومین سمینار بررسی مطبوعات ایران، ص ۲۵.
۶. در این مورد جامعه شوروی، قبل و بعد از فروپاشی نمونه مناسبی است. در اتحاد جماهیر شوروی قبل از فروپاشی، دستگاه تبلیغات رسمی یا کتمان واقعیت‌های اجتماعی، سعی داشت چهره نمونه‌ای از یک اجتماع سالم، مرفه و پیشرفته به جهانیان ارائه دهد ولی پس از فروپاشی آن، مردم دنیا با جامعه‌ای ناسالم روبه‌رو شدند که فزونی پدیده‌های مجرمانه و باندهای تبهکاری مشخصه بارز آن بود (برای اطلاع بیشتر ر.ک: حسین رحمت‌الهی، فدرالیسم در شوروی (بررسی سیاسی - حقوقی تشکیل و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی)، (تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۰) و گزارش ویژه مجله تایم در سال ۱۹۹۹ م).
۷. کاظم معتمدنژاد، همان.
۸. قرآن کریم: «ان الذین یحبون ان تشیع الفاحشه فی الذین آمنوا لهم عذاب الیم فی الدنیا و الآخرة و الله یعلم و انتم لاتعلمون؛ آنان که دوست می‌دارند در میان اهل ایمان کار منکری را اشاعه و شهرت دهند آن‌ها را در دنیا و آخرت عذاب دردناک خواهد بود. خدا می‌داند و شما نمی‌دانید.» (نور (۲۴) آیه ۱۹).
- امام صادق علیه السلام: «بر حاکم است که سه چیز را درباره عام و خاص به اجرا گذارد: پاداش دادن به نیکوکار تا رغبت در انجام عمل نیک در او بیش‌تر شود، پوشاندن گناه خطاکار تا توبه کند و از گناه بازگردد و ایجاد الفت بین همگان به وسیله احسان کردن و انصاف به خرج دادن (حسن بن علی حرانی، تحف العقول (تهران، انتشارات مکتبه الصدوق، ۱۳۷۶ ق) ص ۳۳۳).
- امام صادق علیه السلام: «کسی که چیزی را درباره مؤمنی بگوید که چشمانش دیده است و گوش‌هایش شنیده است، از مصادیق کسانی است که خداوند فرموده است این‌ها دوستاند بخش فواحش و منکرند. (محمدحسین طباطبائی، المیزان، ج ۵، ص ۱۰۶).
- حضرت رسول صلی الله علیه و آله: «کسی که فاحشه‌ای را بخش کند مانند کسی است که آن فاحشه را به وجود آورده است» (همان، ج ۱۵، ص ۱۰۷).
۹. ر.ک: پی‌نوشت ۱۷.
۱۰. مانند حدود که در برخی شرایط امکان تخطی از اجرای مجازات وجود ندارد.
۱۱. نور (۲۴) آیه ۱۹.
۱۲. در کتب اخلاق دینی، اظهار عیوب و لغزش‌های دیگران در زمره خصوصیات سوء و ناشایست فرد و نشانه

زشتی نفس عیب جو فلمداد شده است (ر.ک: ملاحمد تراقی، معراج السعاده (انتشارات جاویدان)، ص ۳۸۹ به بعد). سرخسی از فقهای اهل سنت می‌نویسد: وقتی عمر ابابکر را در منزلش به حد زنا محکوم ساخت پس از اجرای کیفر به همسرش دستور داد که این امر را پنهان کند (المبسوط (بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۰۶ ق) ج ۲۰).

۱۳. مؤلفانی دیگر نیز در این راه تلاش کرده و نگاه جنین استدلال می‌کنند: «نظام کیفری به جای این که بزه‌کاران محکوم را دوباره به آغوش جامعه بازگرداند در اثر داغ باطله‌ای که به آن‌ها می‌زند به نتیجه معکوس می‌رسد و از این رو بهتر است از سیستمی که محکوم به ناتوانی متصاعد است چشم پوشی کرد، (ریموند گسن، جرم‌شناسی کاربردی، ترجمه مهدی کی‌نیا (چاپ اول: تهران) ۱۳۷۰).

۱۴. ر.ک: پی‌نوشت ۸.

۱۵. یوسف (۱۲) آیات ۲۲ - ۲۵.

۱۶. حجرات (۴۹) آیه ۱۱.

۱۷. توبه به سوی خدا عبارت است از بازگشت از گناه برای آمرزش گناهان و زدودن معاصی. توبه یکی از بهترین شیوه‌های جلوگیری از تکرار جرم و اصلاح مجرمین است و در آیات متعددی از قرآن کریم توبه به عنوان یکی از موارد سقوط مجازات در دنیا و آخرت مورد توجه قرار گرفته است. این آیات عبارت‌اند از: مانده (۵) آیات ۳، ۳۷ و ۳۸؛ نساء (۴) آیات ۱۵ و ۱۶؛ نور (۲۹) آیات ۴ و ۵ و ۳۱؛ غافر (۴۰) آیه ۳؛ بقره (۲) آیه ۲۲۲؛ زمر (۳۹) آیه ۵۴؛ فرقان (۲۵) آیات ۷۰ و ۷۱ و آل عمران (۳) آیه ۸۹.

هم‌چنین روایات متعددی در مورد سقوط مجازات به وسیله توبه آمده است. (ر.ک: حر عاملی، وسائل الشیعه، ج

۱۸. باب سوم از ابواب حد سرقت، حدیث ۵ (در مورد سقوط حد سرقت به وسیله توبه) و باب ۱۷ از ابواب مقدمات حدود، حدیث ۱).

۱۸. مانند اجرای حدود که در برخی شرایط سیاست کیفری اسلام بر انجام فاطع و کامل مجازات تأکید دارد.



پروپوزیشن گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی